

معناشناسی واژه ایثار اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن

فرزانه علیزاده^۱

معصومه السادات حسینی میرصفی^۲

محمدرضا شیرازی^۳

چکیده

مفهوم ایثار در زمره اثرگذارترین ارزش‌هایی است که دوام روابط اجتماعی را تضمین می‌کند. با این وجود، تحلیل‌های متفاوت و گاه متناقضی که از آن صورت گرفته، سبب شده است که فهم آن با ابهاماتی روبه‌رو شود. لذا تأمل و تدقیق در شناخت واقعی معنای آن، امری ضروری است که پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و مبتنی بر روش مرور نظام‌مند منابع و تحلیل استنتاجی به بررسی ریشه‌شناسی لغوی و تبیین معنایی «ایثار اجتماعی» پرداخته است. داده‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مفاهیمی مانند «دیگری» و «رابطه»، از مقدمات اصلی تحقق ایثار به شمار می‌رود که از ریشه اثر به معنای مقدم داشتن دیگری بر خود، با سازه اصلی ایثار قرآنی پیوند معنایی وثیقی دارد و این ارزش در شکل خاصی از رابطه من با دیگری شکل می‌گیرد. بر این اساس، واژه ایثار، معنای اجتماعی بودن را در خود دارا بوده و جعل مفهوم «اجتماعی» در کنار «ایثار»، جعل مناسبی به شمار نمی‌رود.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌شناسی، مفهوم‌شناسی، ایثار، اجتماعی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (falizadeh_89@yahoo.com)

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (hosseini_7@yahoo.com)

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. بیان مسئله

بررسی معنا، مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. امروزه دانش معناشناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی جدید است که وظیفه بررسی معنا را بر عهده دارد و با رویکردها و مبانی جدید، معنا را مورد مطالعه قرار می‌دهد (ایزوتسو، ۱۳۹۱: ۳۰). معناشناسی خود نیز دارای شاخه‌هایی است که شاخه معناشناسی واژگانی، بخشی از آن و مبنای کار این تحقیق است که از رهگذر آن می‌توان به تحلیل معناشناختی واژه و مفهوم «ایثار» پرداخت و جایگاه دقیق کلمه و ترکیب‌های آن را با توجه به نظام معنایی‌ای که در آن قرار دارد، به دست آورد. برای فهم دقیق معنای «ایثار» باید به بافت و سیاق و روابط آن‌ها با دیگر مفاهیم و اصطلاحات توجه کرد، به‌ویژه در متون دینی مانند قرآن کریم که یک مجموعه اتقاقی از کلمات بدون نظم و قاعده نیست؛ بلکه واژه‌های آن با قرار گرفتن در نظام و شبکه قرآنی، در ارتباط با سایر کلمات رنگ معناشناختی خاصی به خود گرفته‌اند.

ایثار با ارزش‌ترین فضیلت اخلاقی و نوعی رفتار نوع‌دوستانه است که دارای دو بُعد وابستگی عاطفی و تعهدی است (چلبی، ۱۳۷۶: ۳۲) و نقشی تمدن‌ساز در تاریخ و تمدن اسلامی ایفا می‌کند، لذا باید آن را یکی از عناصر مهم در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دانست (محسنی و قراملکی، ۱۳۹۵: ۴۸). با وجود چنین نقش راهبردی، هنوز مطالعات نظام‌مندی در خصوص تحلیل معناشناسی این واژه صورت نگرفته است. بر این اساس و به منظور پوشش این خلأ نظری، این نوشتار در معناشناسی این واژه، نخست، ریشه‌شناسی واژه مورد نظر و سپس، مؤلفه‌های معنایی این واژه را بررسی کرده و در گام بعدی به ترسیم حوزه معنایی پرداخته و به دنبال پاسخ این سؤال است که: آیا جعل مفهومی ایثار اجتماعی، جعل و اعتبار درستی بوده یا خیر؟ چرا که جعل ایثار اجتماعی، در سال‌های اخیر در ادبیات عرفی از یک‌سو و از منظر بعضی نهادهای فرهنگ‌ساز و سیاست‌گذار از سوی دیگر، مورد توجه قرار گرفته است.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش را به سبب الزامات مسئله‌ای می‌توان در عداد پژوهش‌هایی که به لحاظ رویکردی در اردوگاه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرند دسته‌بندی کرد. پژوهش‌های کیفی در تقابل با تحقیقات

کمی - که در آرزوی اخذ تأییدیه برای فرضیات از قبل طراحی شده هستند -، به دنبال اکتشافاتی در عرصه‌های پژوهشی است که در سایه مانده و کمتر مورد اقبال پژوهشگران قرار گرفته است. علاوه بر این، پژوهش‌های کیفی به عکس پژوهش‌های کمی - که فرضیه، نقطهٔ عزیمت آن است - با سؤالی مشخص آغاز می‌شود (سرمد، ۱۳۹۰: ۴۳) و در فرایند پژوهش، تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود. به لحاظ تکنیک پژوهش نیز باید اذعان شود که این پژوهش با استفاده از روش مرور نظام‌مند و با تأکید بر مفاهیم اساسی این عرصه، تلاش کرده در گام اول، حدود و ثغور مفهومی آن را شناسایی و تبیین کند و در گام دوم، به سؤال اصلی مورد غرض نوشتار، پاسخ دهد.

۳. معنانشناسی

معنانشناسی (semantics) دانش بررسی و مطالعهٔ معانی و بررسی ارتباط میان واژه و معناست؛ به عبارتی، تحقیق و مطالعهٔ تحلیلی دربارهٔ کلمات کلیدی زبان است که از نیم‌قرن پیش مورد توجه قرار گرفته است (ایزوتسو، ۱۳۹۱: ۴). در این پژوهش، معنانشناسی واژهٔ ایثار و مشتقات آن از منظر قرآن و از دو جهت معنانشناسی تاریخی و توصیفی بررسی می‌شود.

معنانشناسی تاریخی (historical semantics) مطالعهٔ تغییرات معنا در طول زمان است و اساساً اصطلاح معنانشناسی، برای نخستین بار به تحول و تکامل معنایی تاریخی، اطلاق گردیده (پالمر، ۱۳۹۱: ۲۹) و در پی شناخت معنای اولیه و معنای بعدی واژه در طول تاریخ حیات لغت بوده و کوشیده است به دو سؤال اصلی پاسخ دهد: لغت چگونه پدیده آمده است؟ و چه تطورات معنایی در طول تاریخ از گذشته تا حال پیدا کرده است؟ در این بخش، توجه به اصیل یا دخیل بودن واژگان و معنای اصلی و پیرامونی آن‌ها بسیار حائز اهمیت است (لسانی فشارکی، ۱۳۸۵: ۴۵).

معنانشناسی توصیفی (Descriptive semantics) به مطالعهٔ رابطهٔ معنایی واژگان در یک حوزهٔ معنایی و در مقطع زمانی خاص می‌پردازد. در این تعریف، شناخت معنای اصلی یعنی مراد متکلم و نیز معنای هاله‌ای واژگان مدنظر است که از طریق بررسی حوزه‌های معنایی شامل واژه‌های مترادف، متضاد، مجاور و مشتقات آن‌ها در دو محور جانشینی و هم‌نشینی به دست می‌آید (فولادوند، ۱۳۹۰: ۸؛ صدر، ۱۳۷۸: ۳۰).



۳-۱. لغت‌شناسی مفهوم ایثار

واژه ایثار از مصدر باب افعال از ماده «اَثَرَ، يُؤَثِّرُ» به معنای ترجیح دادن و مقدم داشتن دیگری بر خویشتن (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۱)، برتری دادن (ابن منظور، ۱۴۲۸: ۳۲۰/۲)، رجحان و فداکاری (قیّم، ۱۳۹۰: ۱۵)، برگزیدن و اختیار کردن است (زبیدی، ۱۴۲۵: ۱۰/۶). لغت‌شناسان متقدم در سده دوم و نیمه نخست سده سوم هجری، ایثار را به صورت مضاف در ارتباط میان انسان با خدا و انسان با سایر انسان‌ها به کار برده‌اند و بیان می‌دارند واژه ایثار از ریشه «اَثَرَ» عاریه گرفته شده؛ یعنی به صورت استعاره در معنای تفضل استعمال می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ۲۳۶) و نخستین تعاریفی که از آن گزارش شده مربوط به نیشابوری و سهروردی است: «ایثار آن است که مقدم بداری حظ و بهره‌برداران دینی‌ات را بر حظ خودت در آخرت و دنیا» (سلمی، ۱۴۲۴: ۱۰۹).

نیشابوری متعلق ایثار را «حظ» می‌داند. واژه حظ در کاربرد اسمی به معنای بهره، نصیب و سهم است. لذا می‌توان گفت ایثار، مقدم داشتن دیگران بر خود در هر امری نیست و نیازمند متعلق است. بر اساس این تحلیل، ایثار بر چهار موضع استوار است: ۱. ایثارگر؛ ۲. دیگری؛ ۳. سهم و بهره ایثارگر از امری دیگر؛ ۴. بهره و سهم دیگری از امری (محسنی و قراملکی، ۱۳۹۵: ۵۰).

شهاب الدین ابوحفص سهروردی نیز ایثار را با اندک زیادتیی، این‌گونه تعریف می‌کند: «ایثار آن است که مقدم بداری حظ و بهره‌برداران دینی‌ات را بر حظ خودت در آخرت و دنیا، چنان که میان برادران صلبی و خویشاوندان و میان دوستان، هیچ فرق و تمیزی جایز نشماری» (سهروردی، ۱۴۲۷: ۲۷۰/۱).

در آیات قرآنی و روایات صادر از معصومان نیز کلمه ایثار در معنای لغوی «برگزیدن و مقدم داشتن» به کار رفته است. داده‌های صورت‌گرفته در این موضوع نشان از آن دارد که این واژه با این اسلوب - ایثار - در قرآن استعمال نشده؛ ولی مشتقاتش ۲۱ بار به کار گرفته شده است (واعظزاده، ۱۴۱۹: ۱۵۰/۱) و امیرالمومنین نیز ۱۲ بار در نهج البلاغه از این واژه و هم‌خانواده‌هایش سخن به میان آورده‌اند (دشتی و محمدی، ۱۳۶۹: ۱۴).

۲-۳. معناشناسی مفهومی

همچنان که روابط مفهومی بخش مهمی از مطالعه زبان را شکل می‌دهند و به نظام پیچیده روابطی که میان عناصر زبانی وجود دارد، مربوط‌اند، مصداق نیز عنصر اساسی مطالعات معناشناسی را تشکیل می‌دهد و از یک سو به رابطه میان عناصر زبانی و از سوی دیگر به تجربیات غیر زبانی می‌پردازد (پالمر، ۱۳۹۱: ۶۰).

مقدم داشتن، محوری‌ترین مصداق ایثار است که بر ماهیت «کنش ایثار» دلالت می‌کند و مؤلفه‌های دیگر از وابسته‌های آن به شمار می‌روند. لذا می‌توان گفت حقیقت ایثار، اثبات برتری و مقدم داشتن چیزی است که شایستگی انتخاب، اختیار و فضیلت بر دیگری را دارد. هرگاه کسی بخواهد بگوید اثری از او صادر شد که لازمه باقی ماندن آن اثر و تقدیم شیء بر شیء دیگر است، کلمه ایثار را به کار می‌گیرد و اگر نخواهد صدور از فاعل را بیان کند و بخواهد اثری را که بر مخاطب گذاشته مورد توجه قرار دهد، از واژه «تأثیر» استفاده می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۲/۱).

مؤلفه دیگری که در معنای مفهومی ایثار حائز اهمیت است و باید کنکاش در مصادیق آن توسط پژوهشگران صورت گیرد، «باقی ماندن اثر عمل ایثارگر» است. در واقع برتری دادن دیگران بر خود، همان ابقای اثر است (ابن فارسی، ۱۳۸۷: ۹)؛ زیرا اگر انسان خود را بر دیگران ارجح بداند، کاری انجام نداده که مستحق ارزش‌گذاری باشد؛ ولی نقطه مقابل آن اگر انسان دیگران را بر خود ترجیح دهد، نتیجه اثر آن باقی ماندنی می‌شود.

برای درک انتزاعی اثرگذار بودن، سه اصل معنایی را می‌توان بیان کرد که به نوعی با هم رابطه معنایی دارند:

۱. رسم الشیء الباقی: نشانه یا باقی مانده چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳۶/۸)؛
۲. ذکر الشیء: یادکردن چیزی. گفتاری که نسل بعدی از نسل قبلی یاد می‌کند (زمخشری، ۱۴۲۶: ۱۱)؛
۳. تقدیم الشیء: مقدم داشتن چیزی بر دیگری که مفهوم ایثار از آن گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۲).



در بررسی این واژه در آیات قرآن با مفاهیمی همچون: احسان و ایتاء (نحل: ۹۰)، اعطاء (لیل: ۵)، اطعام (انسان: ۸)، انفاق (آل عمران: ۹۲) و برّ (بقره: ۴۴)، یا عناوینی نظیر کشته شدن در راه خدا (نساء: ۷۴) مواجه خواهیم شد که ایثار را والاترین صفت و شهادت را بالاترین نوع ایثار می‌داند و ارتباطش چنان است که بدون معناشناسی ایثار، واژه شهادت، غریب خواهد بود (راغب، ۱۳۹۰: ۴۲۹). آنچه در مفهوم ایثار مهم است، آن است که مقدم داشتن دیگری بر خویش، نسبت و رفتار ارتباطی‌ای است که یک سوی آن، ایثارگر و سوی دیگر آن، برادران دینی و دوستان است.

ابوالحسن هجویری در کتاب کشف المحجوب مفهوم ایثار را عملی توصیف می‌کند که فرد با رنج نهادن بر خود از برای راحتی دیگری، در مقابل ظلم قیام می‌کند (هجویری، ۱۳۷۵: ۲۳۶/۱). در این تعریف «قیام کردن برای بازگرداندن حقوق طرف ارتباط» نکته جدیدی آمده که در تعاریف قبلی دیده نمی‌شود و این امر، ابتدای مفهومی ایثار را بر مسئله ارتباط می‌رساند و می‌تواند مفهوم‌سازی بسیار وسیعی از ایثار را به میان آورد (قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

موضوع و مسئله رابطه (Relation) و ارتباط (communication) از چنان ماهیت عمیق و در عین حال عامی برخوردار است که وجود و تأثیر آن را در تمام پهنه‌های هستی (اعم از جهانی یا انسانی، مادی یا معنوی و عینی یا ذهنی) و فضیلت‌های ارزشی به وضوح مشاهده می‌شود (آشتیانی، ۱۳۷۶: ۱۲۹). این مؤلفه در ارزشی مانند ایثار به قدری اهمیت دارد که می‌توان گفت در صورت نبودن طرف ارتباط، ارزش اخلاقی شکل نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد که مفاهیم مقوم و تشکیل دهنده مفهوم ایثار را باید در دو مفهوم دیگر یعنی «ارتباط» و «دیگری» جستجو کرد که این نوشتار در ادامه تلاش خواهد کرد به آنها بپردازد.

۴. مفاهیم مقوم ایثار

۴-۱. ارتباط

یکی از توانایی‌ها و ویژگی‌های خاص انسان، برقراری ارتباط با دیگران به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین وجه است. استعداد بسیار تکامل یافته او در برقراری ارتباطات نمادی زبان و مفاهیم، زمینه اکتساب و انتقال فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر ممکن می‌سازد (کوئن، ۱۳۸۳:

۶۰). جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان هر دو معتقدند که اگر انسان‌ها مهارت و استعداد فراگیری زبان در برقراری ارتباط با دیگران نداشتند، نمی‌توانستند به حیات خود ادامه دهند. علاوه بر این، جامعه‌شناسان بر این باورند که ارتباط نمادین انسان‌ها - که از طریق گفتار، نوشتار و اشاره صورت می‌گیرد -، سبب تسهیل نقل و انتقالات ارزش‌ها از نسلی به نسلی دیگر می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۹۸).

یکی از مسائل مهمی که در فلسفه با توجه به توانایی‌های ارتباطات انسان مطرح است، رابطه او با هم‌نوعانش است. در واقع اساس بحث این است که: رابطه فرد با دیگران باید بر چه معیاری استوار باشد تا نیازمندی‌های وی در محیط اجتماعی برآورده شود؟ تحلیل‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها در فرایند زندگی جمعی خویش محتاج به همکاری هم‌دیگرند و به صورت فردی توانایی برآوردن تمام نیازهای خود را ندارند. لذا در حوزه زندگی اجتماعی و مادی، محتاج به برقراری روابط با یکدیگرند (اعرافی، ۱۳۷۶: ۱۷۱). در واقع، تمایل او به رفع نیازهایش از یک طرف و میل به بقا و کمال از طرف دیگر، دو انگیزه قوی‌ای است که او را به برقراری ارتباط در سطوح مختلف برمی‌انگیزد (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۴۲۳: ۱۰۵). به تعبیر دیگر، در عین پراکندگی پدیده‌های انسانی و دوری گروه‌های آدمیان با همدیگر، نکته مهم در مورد آدمیان این است که نسبت به یکدیگر بی‌اعتنا نیستند؛ بلکه هر جا که به یکدیگر می‌رسند برای همدیگر اهمیت قائل هستند و به سوی هم جذب می‌شوند؛ نسبت به هم بی‌زاری نشان نمی‌دهند، از یکدیگر می‌آموزند و وقتی به هم برمی‌خورند، خود را در یکدیگر باز می‌شناسند و در برابر یکدیگر به خود تکیه می‌کنند؛ زیرا هر یک خود را در دیگری باز می‌یابد (هجویری، ۱۳۷۵: ۷۸).

به هر حال، آدمی در ارتباط است که می‌تواند هم خود را و هم حقیقت را به دست آورد. فرد در تنهایی نمی‌تواند به حقیقت پی ببرد. از این‌رو دیگری را می‌جوید تا اندیشه خود را با او در میان نهد و به یاری او به درستی آنچه که می‌اندیشد، اطمینان یابد. پس فقط در ارتباط، همه حقایق تحقق می‌یابند، و در ارتباط است که من خودم صرفاً یک موجود زنده نیستم؛ بلکه به حیات خود تحقق می‌بخشم. با این‌که تحقق انسان به این ارتباط است، ولی آدمی در ارتباط نباید گم شود؛ بلکه تنهایی و ارتباط، دو بال حرکت به سمت خویش‌ن هستند. ارتباط باید



به گونه‌ای باشد که هر یک از طرفین، کاملاً خودش باقی بماند و در دیگری محو نشود و هیچ اثری از تحمیل و فشار حتی در گفتگوی پرسش و پاسخی نباشد (یاسپرس، ۱۳۸۴: ۷۲).

یکی از کسانی که فلسفه را در سیاله‌ای وجودی به رابطه انسانی تحویل کرد، مارتین بوبر فیلسوف اتریشی بود. بوبر، روشن‌فکری دینی است که تفکرش تأثیر گسترده‌ای بر قلمرو وسیعی از موضوعات و علوم گوناگون، مانند: فلسفه، فلسفه اخلاق، علوم تربیتی، علوم سیاسی، عرفان، الهیات و نظایر این‌ها داشته است. مارتین بوبر گرچه در کاوش اشکال رابطه بیشتر بُعد الهیاتی و جنبه دینی انسان با خدا را تحلیل می‌کند، اما نظر وی وجه انسان‌شناختی و معرفت‌شناسی را نیز در برمی‌گیرد (یاسپرس، ۱۳۹۳: ۱۲۳؛ شرفی، ۱۳۸۸: ۱۱). رابطه به عنوان قلب تفکرات فلسفی بوبر دارای تقسیم‌بندی‌های مختلفی است که در مهم‌ترین آن‌ها بوبر این روابط را به سه دسته کلی تقسیم می‌کند: رابطه من و آن (I- IT Communication)؛ رابطه من و شما (I- You Communication)؛ رابطه من و تو (I- Thou Communication).

در رابطه من و آن، انسان‌ها با یکدیگر برخوردهای کاملاً ابزاری دارند و با آن‌ها همچون اشیا رفتار می‌کنند. در رابطه من و آن، برخورد مبتنی بر اعتماد متقابل وجود ندارد تا جایی که شاید اهمیت داده نمی‌شود که چنین آدمی وجود دارد. دومین سطح رابطه از نظر بوبر، ارتباط من و شماست که اکثر تعاملات انسان در زمره این ارتباطات می‌گنجد. ارتباط من و شما حد وسط ارتباطات غیرفردی و میان‌فردی است. در این نوع ارتباطات، طرفین با یکدیگر مثل اشیا برخورد نمی‌کنند؛ اما فردیت یکدیگر را به طور کامل به رسمیت نمی‌شناسند. شما دیگران را به واسطه نقشی که دارند به رسمیت می‌شناسید و به فردیت آن‌ها بها نمی‌دهید. در محیط کار نیز اکثر روابط از نوع روابط من و شماست. ارتباط ما با دیگران در عرصه‌های اجتماعی در مقایسه با دوستان و آشنایان، عمق خود را نشان می‌دهد. به این ترتیب، ارتباط ما با دوستان اتفاقی، همکاران و بستگان، از نوع ارتباط من و شماست (بنایی جهرمی، ۱۳۹۳: ۲۹).

نادرت‌ترین نوع ارتباط، ارتباط من و توست. به نظر بوبر این نوع ارتباط، عالی‌ترین شکل گفتگوی انسانی است؛ چون طرفین رابطه، یکدیگر را موجوداتی ارزشمند و بی‌همتا می‌بینند. وقتی در سطح من و تو ارتباط برقرار می‌کنیم، برای تمامیت و فردیت دیگران توجه قائل می‌شویم. (بوبر، ۱۳۸۰: ۶۶). دیگر با آن‌ها متناسب با نقش‌های اجتماعی‌شان برخورد

نمی‌کنیم و آن‌ها را انسان‌های بی‌همتا می‌بینیم که کلیت وجود آن‌ها را قبول داریم. در ضمن در ارتباطات من و تو، خودمان را نمی‌پوشانیم و بر چهره خود نقاب نمی‌زنیم؛ بلکه تمام مکنونات قلبی خود را فاش می‌کنیم و مزیت‌ها، عیب‌ها، امیدها، ترس‌ها و نقاط قوت و ضعف خود را با آن‌ها در میان می‌گذاریم (چلبی، ۱۳۷۶: ۴۰). بر این اساس به نظر می‌رسد با توجه به این که ایثار در واقع نوع خاصی از رابطه است که بین من و دیگری شکل می‌گیرد، بیشتر می‌تواند در این نوع رابطه نمود داشته باشد، هر چند می‌توان رده‌های ضعیف‌تری از آن را در سایر اشکال رابطه نیز مشاهده کرد.

۲-۴. دیگری (other)

دیگری به عنوان مفهوم کلیدی در ادبیات فلسفی، مورد توجه و تأکید بوده است. هر چند این مفهوم، بحثی کاملاً فلسفی است، ولی در متون بعضی از فلاسفه مانند امانوئل لویناس، رویکرد اخلاقی - دینی به خود می‌گیرد. «دیگری»، پدیده‌ای خارج از وجود فاعل شناساست. او مرز مشخصی از ما دارد و فاصله بین من و دیگری، تبیین‌کننده این مرز مشخص است. از طریق تعامل بین من و دیگری در واقع اتحادی در سطح ادراک رخ می‌دهد که این اتحاد، دست‌مایه مطالعات فلسفی - اخلاقی قرار گرفته است. (طالب‌زاده و صیاد منصور، ۱۳۹۳: ۱۶۶). تحلیل لویناس از مواجهه خود با دیگری، در بردارنده سه عنصر است: میل، چهره و گفتار. لویناس، میلی را که در مواجهه با دیگری وجود دارد، متفاوت با نیاز می‌داند. نیاز به دیگری به فقدانی مربوط است که می‌توان آن را برطرف کرد، اما میل به دیگری، برطرف‌کردنی نیست؛ زیرا میل به دیگری به معنای طلب رسیدن به چیزی که از دست رفته، نیست؛ بلکه جست‌وجوی تعالی، غیریت و خارجیت دیگری است. دیگری یا غیر در تجربه مواجهه به گونه‌ای طلب نمی‌شود که به «خود» فروکاسته شود؛ بلکه او را از این جهت که غیر از ماست، طلب می‌کنیم (محسنی و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵: ۶۱).

به این ترتیب، رابطه خود با دیگری در قالب میل به دیگری به عنوان رابطه‌ای معنابخش فهمیده می‌شود. به نظر لویناس، مواجهه خود با دیگری در قالب هستی، بیان‌پذیر نیست؛ بلکه ابتدایی، ذاتی یا بنیادی است و از آن‌جا که مشخصه روابط انسانی در بنیادی‌ترین سطح است، رابطه‌ای



اخلاقی است (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). دیگری، مرا واقف می‌سازد که جهان تنها به من تعلق ندارد و این فهم، چیزی نیست که خوشایند من باشد؛ زیرا قدرت و اختیار مرا مخدوش می‌کند. این یک وضعیت اخلاقی است. به این ترتیب، اخلاق از همین مرحله ابتدایی و بنیادی آغاز می‌شود که در آن، حضور دیگری، سوژه را به چالش و تردید می‌کشانند (طالب‌زاده و صیاد منصور، ۱۳۹۳: ۱۶۶). بر این اساس به نظر می‌رسد که به رسمیت شناختن دیگری، درک دیگری، اهمیت دادن به او و از همه مهم‌تر، مقدم داشتن او بر خود، اساسی‌ترین پایه‌ی ایثار محسوب می‌شود که این مهم، نشان از جایگاه و اهمیت بالای دیگری در شکل‌گیری مفهوم ایثار دارد.

۵. نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا مفهوم ایثار از منظر لغت‌شناسی و مفهوم‌شناسی، مورد مذاقه قرار گیرد. نتایج پژوهش در بخش لغت‌شناسی نشان می‌دهد که ارزش اخلاقی ایثار از ریشه‌ی «اَثَر» است و مهم‌ترین معنایی که در ادوار مختلف تاریخی برای آن ذکر شده، ترجیح دادن و مقدم داشتن دیگری بر خویش است. از وجه دیگر، تحلیل معناشناسانه از واژه ایثار، نشان می‌دهد که این مفهوم بر پایه‌ی دو مفهوم خردتر «دیگری» و «رابطه» شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر، ارزش اخلاقی ایثار، ذاتاً و ماهیتاً اجتماعی است و در پرتو رابطه‌ی من با دیگری شکل می‌گیرد. در واقع ایثار در سپهر، نوع خاصی از رابطه است که فی‌مابین «خود - دیگری» ایجاد شده و خود برآیند فرایند رابطه‌ای بین متعلق و متعلق رابطه است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که این ارزش اخلاقی، در فرآیند رابطه‌ای و اجتماعی شکل می‌گیرد و جعل مفهوم اجتماعی در کنار مفهوم ایثار، جعل درستی نخواهد بود.



کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقایس اللغة، تحقیق: هارون عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلام، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ سوم.
۳. اعرافی، علیرضا و دیگران، (۱۳۷۶ ش)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۹۱ ش)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بنایی جهرمی، مهدی، (۱۳۹۳ ش)، «لویناس و سوبژکتیویته اخلاقی»، مجله غربشناسی بنیادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۲۱ - ۳۶.
۶. بوبر، مارتین، (۱۳۷۸ ش)، من و تو، ترجمه: خسرو ریگی، تهران: نشر جیحون.
۷. بوبر، مارتین، (۱۳۸۰ ش)، من و تو، ترجمه: ابوتراب سهراب و الهام عطاری، تهران: نشر پژوهش فرزانه.
۸. پالمر، فرانک، (۱۳۹۱ ش)، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
۹. چلبی، مسعود، (۱۳۷۶ ش)، «تعهد کار»، نشریه نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۵، ص ۴۹-۳۲.
۱۰. دشتی، محمد و سید کاظم محمدی، (۱۳۷۹ ش)، المعجم المفهرس الالفاظ نهج البلاغه، قم: نشر امام علی علیه السلام.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. دیویس، کالین، (۱۳۸۶ ش)، درآمدی بر اندیشه لویناس، ترجمه: مسعود علیا، تهران: انتشارات انجمن و حکمت.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۹۰ ش)، مفردات الفاظ القرآن کریم، ترجمه: حسین خداپرست، قم: انتشارات نوید اسلام، چاپ چهارم.
۱۴. زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۲۵ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۲۶ ق)، اساس البلاغه، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.

۱۶. السلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین، (۱۴۲۴ ق)، طبقات الصوفیة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۷. سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۷۳ ش)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. شرفی، محمود، (۱۳۸۸ ش)، تبیین دیدگاه مارتین بوبر و نقد دلالت‌های آن در تربیت اخلاق بر اساس دیدگاه سهروردی، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. طالب‌زاده، حمید و علیرضا صیاد منصور، (۱۳۹۴ ش)، «مسئولیت اخلاقی در اندیشه لویناس»، نشریه پژوهش‌های فلسفی، شماره ۵ (پیاپی ۱۴)، ص ۱۶۶-۱۸۲.
۲۰. فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۹ ش)، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، العین، قم: انتشارات هجرت.
۲۲. قیم، عبدالنبی، (۱۳۹۰ ش)، فرهنگ معاصر عربی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۲۳. کوئن، بروس، (۱۳۸۳ ش)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۴. محسنی، محسن و احد فرامرز قراملکی، (۱۳۹۵ ش)، «تحلیل تطبیقی - تاریخی مفهوم ایثار نزد دانشمندان مسلمان تا قرن هفتم»، فصلنامه نامه اخلاق، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۴۷-۶۴.
۲۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰ ش)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر چاپ.
۲۶. هجویری، ابوالحسن علی، (۱۳۷۵ ش)، کشف المحجوب، تهران: طهوری.
۲۷. واعظ‌زاده الخراسانی، محمد، (۱۴۲۳ ق)، المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغه، مشهد: الآستانة الرضویة المقدسة، چاپ اول.
۲۸. یاسپرس، کارل، (۱۳۸۴ ش)، فیلسوفان بزرگ: افلاطون، ترجمه: محمدحسن لطفی تبریزی، تهران: خوارزمی.
۲۹. یاسپرس، کارل، (۱۳۹۳ ش)، کوره‌راه خرد: درآمدی به فلسفه، ترجمه: مهبد ایرانی طلب، تهران: نشر قطره.

۳۰. Kuehne. D (2008), *Levinas and Education~ At the Intersection of Faith and Reason* M New York: Routledge.